

گردهمایی دوستداران ماهنامه‌ی حافظ

خودش به اثبات وجود خالق می‌تواند می‌رسد و به او می‌اندیشد:
آدمی از این هنر مبهوت گشت

خلق کوه و خلق دریا، خلق دشت مولانا، شمس تبریزی را «پیر» و انسان کامل می‌داند و لذا او را مراد خود و خود را مرید او می‌شمارد. دیوان شمس تبریزی، سراسر حکایت از این شیدایی و شیفتگی دارد. سعدی که شیخ اجل و فقیهی عالی‌قدر بوده است، محمد مصطفی را انسان کامل می‌داند و او را با صفات چهارگانه جسیم، بسیم، قسیم و وسیم توصیف می‌کند و در حق او چنین ادامه می‌دهد: بلغ‌العلی بکماله کشف الدجی بجماله حسنت جمیع خصاله صلوا علیه و آله.

که شاید مفاهیم این مضامین چنین باشد:

«سفره‌ی بزرگواری با کمال او گسترده شد و پرده‌ی زیبایی با جمال او گشوده گردید. نیکویی بر همه‌ی خصائلش حاکم است و درود خدا بر او و آتش دائم باد.»
و اما حافظ هم از «پیر» رند خراباتی، «مرشد» و... بسیار یاد می‌کند:

پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت

آفرین بر نظر پاک خطا پوشش باد

۲- انسان آرمانی از دیدگاه اخلاقی

در علم‌الاخلاق، صحبت از «الگو» پذیری انسان است و لذا انسان‌های الگو، در سیر تکوینی انسان از کودکی به جوانی و از آن‌جا به میان‌سالی و پیری صیرورتی در الگوهای او نیز قابل درک است به شرح زیر:

الگوی کودک، اول مادر و پدر است و سپس خواهر و برادرهای بزرگ‌تر و به محض آن‌که به مدرسه می‌رود، یعنی از کودکی به نوجوانی و جوانی می‌رسد، الگوش معلم و مدیر می‌شود و نهایتاً دبیر و استاد.

پس از این مرحله، یعنی زمانی که انسان در حال واردشدن به جامعه است و به اصطلاح دوره‌ی جوانی تا میان‌سالی را طی می‌کند، الگوش می‌شود انسان‌های برجسته‌ی محلی و ملی. در این دوره، هنرپیشه‌ها و قهرمانان جاذبه پیدا می‌کنند و عکس‌های آن‌ها به در و دیوار اطاق و محل کار جوانان و میانسالان زده می‌شود.

اگر آدمی از این دوره‌ها بگذرد و هم‌زمان با تکوین ماهیتی، تکامل هویتی هم پیدا کند، به درجه‌ی می‌رسد که الگوش بین‌المللی و جهانی می‌گردد، یعنی از جامعه هم فراتر می‌رود و پا به تاریخ

□ به شرح گزارش مندرج در شماره‌ی قبل، به ابتکار «انجمن دوستداران ماهنامه‌ی حافظ» و با تشریک مساعی «انجمن ادبی بهار خاقانی» به مدیریت سرهنگ هوشنگ وزیری، به مناسبت انتشار منظم ماهنامه‌ی حافظ، در روز ۲۱ آبان ۱۳۸۴ در فرهنگسرای نظامی گنجوی در تهران جشنی پرشور با حضور جمعی از نخبگان علمی و ادبی کشور برگزار گردید. یکی از سخنرانی‌ها و ۱۴ قطعه از اشعار خوانده شده در آن مراسم در شماره‌ی آذر ۱۳۸۴ منتشر شد. اکنون در این شماره، نمونه‌هایی دیگر از سخنرانی‌های استادان و اشعار شاعران به خوانندگان تقدیم می‌شود:

الف - نمونه‌ی سخنرانی‌ها: انسان آرمانی دکتر حسین باهر



سخنرانی درباره‌ی پروفسور امین و امثال او ما را به بحث «انسان الگو»، «انسان گرمی»، «انسان کامل» و «انسان آرمانی» منتقل می‌کند. لذا عریضی درباره‌ی انسان آرمانی از دیدگاه ادبی و اخلاقی و عرفانی ارائه می‌دهم که امیدوارم در ماهنامه منتشر گردد:

۱- انسان آرمانی از دیدگاه ادبی

انسان آرمانی از دیدگاه ادبی را «پیر» (اسطوره) نامند.

بزرگان ادب ایران، هر یک، انسان آرمانی خود را که از او الگو می‌گرفته‌اند و در مواردی شیفته و فریفته، بلکه شوریده و شیدای او می‌شده‌اند، به نام‌های مختلفی نامیده و به شکل‌های متفاوتی تعریف کرده‌اند.

فردوسی، انسان آرمانی خود را به صورت اسطوره‌ی «رستم» مطرح می‌کند و برای رستم صفات مثبتی را ذکر می‌نماید که گرچه تعین خارجی نداشته است، ولی حماسه‌های فردوسی برای خواننده و شنونده جالب و جذاب است، به قول معروف «دروغ‌های دلپذیری» هستند. بدیهی‌ست این نوع اسطوره‌گرایی در بسیاری از مکاتب غیردینی و مذاهب هم نمونه‌هایی دارد.

شاید این اسطوره‌گرایی حکایت از روش تداعی ضعف و قوت می‌نماید، یعنی انسان از تصویر نقص خود به تصور کمال دیگری می‌رسد، همان‌گونه که از عدم توان خلق کردن موجود زنده‌ی توسط



دوستان ماهانامی حافظ (عکس از ابراهیم سیسان)

می‌گذارد.

این مراحل را که باید اصطلاحاً مراحل چهارگانه نئوفرویدی نامید، عبارتند از: کودک، والد، بالغ و رشید. به ترتیب با الگوهای خانوادگی، محلی، ملی و بین‌المللی تناظر دارد؛ لذا اگر علمای علم‌الاخلاق یا رفتارشناسان از الگو صحبت می‌کنند، قطعاً به نسبت الگو و تناسب آن با الگوبری توجه دارند. البته پاره‌یی از اخلاق‌گرایان سعی کرده‌اند الگوهای رفتاری مطلوبی را به‌طور نظری، مطرح کنند، مانند آن چه که در ویژگی‌های انسان مطلوب اروپا در کتاب «آقا» Gentleman آمده است. در این کتاب به‌طور فرضی مراتبی از خصائل پسندیده انسان آرمانی اروپایی آورده شده که عملاً هم توفیقاتی در آماده‌سازی انسان‌های آفرینش‌گر رنسانس داشته است.

۳- انسان آرمانی از دیدگاه عرفانی

(فضلنا هم علی کثیر / السابقون السابقون / انعم الله علیهم...); در «عرفان»، بویژه عرفان ایرانی - اسلامی به وجودی (و نه موجودی) به نام «ولی»، ابراهام و خلاصه مضامینی از این دست معتقدند که در بین مردمان زمانه‌ی خود می‌زید و ممکن است هرگز هم شناخته نشود، یعنی انسان آرمانی که دارای جانی برتر از جان‌های انسان‌های خوب معمولی‌ست:

پس به هر عهدی «ولی» بی‌قائم است

تا قیامت این ولایت قائم است

مولانا

این وجود که مظهر تجلی صفات ثبوتیه‌ی الهی‌ست، آینده‌دار جمال الوهیت است و واسطه‌ی فیض و عروه‌الوثقی، یعنی

اتصال‌دهنده‌ی بین خاک و افلاک:

هر چند سکندر جهانی
بی پیر مرو تو در خرابات
آن ولی حق که خوی حق گرفت

نور گشت و تابش مطلق گرفت
در مضامین اسلامی، بویژه در آیات قرآنی، برگه‌هایی از این مفهوم دیده می‌شود که گاهی انسان‌هایی پیدا شده‌اند که حتا از پیامبران مرسل هم متمایز بوده‌اند. ذیلاً به نمونه‌هایی از این مضامین اشاره می‌کنیم: اولاً، خداوند در آیه‌یی که صحبت از کرامت بنی‌آدم می‌کند، نهایتاً او را بر بسیاری از مخلوقات عالم، برتری می‌دهد: و فضلنا هم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً (۱۷/۷۰). حال این سوال پیش می‌آید که:

اولاً، آنهایی که از بنی‌آدم برترند، چه کسانی هستند؟ ثانیاً، هنگامی که پیامبران مرسل، مورد استقبال مردم قرار نمی‌گرفتند، وجودی پیدا شد که سفارش آن‌ها را به مردم می‌کند: «وجاء من أقصى المدینه رجل یسعی قالوا یا قوم اتبعوا المرسلین» (۳۶/۲۰): ولی حضرت موسی موفق نمی‌شود. ثالثاً، قرآن، حکیمی هم‌چون لقمان و یا بزرگی همانند ذوالقرنین را به والایی می‌ستاید، ستایشی که برای هیچ پیامبری نفرموده است.

بر این اساس، باور پاره‌یی از عرفا چنین می‌باشد که انسان کامل وجودی متعالی‌ست و حامل وحی الهی نمی‌باشد، ولی از مرتبت کمال انسانی برخوردار است، چنان‌که شیخ بهایی (ره) درباره‌ی مولانا می‌فرماید:

من نمی‌گویم که آن عالی‌جناب

هست پیغمبر ولی دارد کتاب

ب- نمونه‌ی اشعار

۱- در شعر بلند آقای «رضا یغمایی» در صفحه‌ی ۱۱۹ شماره‌ی ۲۱ مجله، در ضبط دو بیت زیر ویرایشی از سوی مجله رخ داده بود، شکل اصلی این دو بیت خطاب به سردبیر، چنین است:
ای عاشق شیدای وطن، حافظ ثانی
آیینی‌ی بگذشته‌ی اعصار و زمانی
این تاج امانت به تو زبید که «امین»‌ی

چون بارگه دادی و دادار امانی
۲- از میان اشعاری که به مناسبت «گردهمایی دوستداران ماهنامه‌ی حافظ» در شماره‌ی ۲۱ مجله چاپ شده بود، شعر خانم‌ها توران شهریار (بهرامی) و زهرا بوالحسنی و اشعار آقایان ادیب مسعودی، مصطفی بادکوبه‌ای (امید)، فضل‌الله دروش، کمال زین‌الدین، مرتضی کریمی، و... از قلم افتاده است. با سپاس از این شاعران، چون اشعارشان در شماره‌های قبلی مجله چاپ شده بود، از بازچاپ آن‌ها معذوریم. اما اشعار تنی چند از دیگر شاعران:

✧ احمد نیکو همت

در میان مطبوعات، این مجله‌ی حافظ
چهر خود عیان بنمود با شکوه و والایی
از مجله‌ی حافظ نکته‌ها بیاموزی
جمله در خور تحسین، در کمال زیبایی
هر شماره‌ی حافظ، با مطالب شایان
خوان که تا شوی آگاه‌زان همه دل‌آرایی
می‌شوی بسی خرسند زان نگارش مطلوب
در عجب همی مانی زان همه توانایی
از مجله‌ی «حافظ» نکته‌ها بیاموزی
می‌رسی از این شیوه تا به اوج دانایی
همتی نکوداری داری ای امین دانا دل
جلب می‌کنی دل‌ها با فن فریبایی
«همت» ام من و خواهم جلوه‌های زیباییت
این غزل تو را گفتم در کمالی شیوایی

✧ دکتر شهریار بهاری

پاسدار ادب اکنون به یقین
دانشی مرد هنر هست امین
پرچم علم برافراشته است
بذر حکمت به هنر کاشته است
سخن آراسته در دفتر عشق
می‌جان ریخته در ساغر عشق
چون که از صدق برآرد گفتار
سخنش هست یکی با کردار
شده چون شمع دل افروز به جمع
جمع پروانه به گرد این شمع
شد از او دفتر حافظ آذین
چو فلک از رخ ماه و پروین
تا که از یاد مصدق دم زد
چنگ در خاطره‌ی پُر غم زد

تا از آن مرد کهن یاد آورد
شوری افکند به جانی پُردرد
آخر این باهنر دانشمند
طبع ما را به سخن کرد بلند
فاش گویم بود امشب به یقین
گل جان‌پرور اندیشه امین
قصه کوتاه بهاری امشب
دل و جان یافت از این بزم طرب

✧ سرهنگ صالح افشار تویسرکانی

کاش می‌شد وانمود این عقده‌های بی‌کسی
کاش می‌شد در گذشت از یک بغل دلواپسی
راز حافظ را «امین» ای کاش می‌گفتی به من
ای «امین» نکته‌پرداز ای حکیم خوش سخن
ای که از فیض کلامت دل شود شورآفرین
از مقالاتت ببارد حکمت و عرفان و دین
باغ فرهنگ «حقوق» ات گستران و سایه‌دار
از درخت معرفت پرمایه و با افتخار
در تجلی‌گاه حیرت آفتاب بینش‌ات
چشم بر آیینی می‌دارم بینم دانش‌ات
شور و استغنائی مضمون است عشق یاد تو
بوده از بدو تولد این هنر همزاد تو
داری از «تاریخ ایران» پندهای بی‌شمار
هست «تاریخ حقوق» ات فرّ و فخر این دیار
حافظ آن مه‌نامه‌ات دریای جوشان هنر
موج‌موج مطلبش باشد لبالب از گهر
برگ برگ حافظ تو گلشن راز است و بس
از نکات فلسفی دارد بسی بانگ جرس
صالح افشارم و سرشار عشق آن جناب
خضر راهم «بیدل» و «آهی» مرا حسن‌الخطاب
یاد یاران می‌نماید بیت بیت شعر من
«حجّت»‌ی باشد «ریسی» بر کمال این سخن
یاد باد از «جعفری» آن فیلسوف باصفا
کز نسیم مهر او گشتم «امین» را آشنا

✧ فرشته کاظمی (سروش)

یک فصل بی‌خزان است باغ و بهار حافظ
از آستان یار است خاک دیار حافظ
مردان نیک‌سیرت، یاران باکیاست
خورشید ملک عشقند آینه‌دار حافظ
این راز سر به مهر است «سیدحسن امین» را
بنیان فکر و فرهنگ شد وامدار حافظ
آئین مهرورزی با شیوه‌ی نیاکان
بار دگر روان شد بر چشمه‌سار حافظ
دانشوران نامی مردان دوراندیش
خوشنام‌های دهرند همواره یار حافظ

نظم سخنوران را ناظم بُود روانش
هر کس که پا گذارد در رهگذار حافظ
پاینده باد ایران مردان نیک نامش
سبز است تا جهان است باغ و بهار حافظ
خدمتگذار آب و هم خاک پاک ایران
خدمتگذارِ عشق است خدمتگذارِ حافظ
در محتوای متش صدها حدیث عشق است
از جلوه‌های حق است این شاهکار حافظ
فرمانده سپاه اقلییم واژگان است
چون ملک شعر باشد در انحصار حافظ
عمر جهان سر آمد بین غزل‌سرایان
کس را نشد قوامی یک در هزار حافظ
عرق وطن‌پرستی چون بحر می‌زند موج
صد نکته کرده بستر در ابتکار حافظ
تا مرغ طبع ما را صیاد سر بریده
خود را کشان‌کشان من بردم به دارحافظ
قصدم به دست آمد وقتی که (کاظمی) گفت
آتین کین‌زدایی‌ست اصل قرار حافظ
سر از ارم کشیدم مانند نخل نارنج
کشتم غزل (فرشته) روی مزار حافظ
پیغام دل‌نواز منظومه‌ی (سروش) است
شد واژه‌های شیرین از حق نثار حافظ

کو تو را گوید چنین استاد امین
بوی کبر و کینه‌اش هم‌چون پیاز
بر مشام آید یقین استاد امین

✦ علی جهان (امید)

ای به حق استاد فرزانه، امین
افتخار مردم ایران‌زمین
اختران را سینه‌ریز آوازه‌ات
هم تو را شمس و قمر باشد رهین
در حسب باشی تو از پاکان نور
در نسب، نجل امین‌الشرع و دین
ای شده علم و ادب سرمایه‌ات
داری از علم و ادب گنجی ثمین
در حقوق و شعر و تاریخ و هنر
صاحب عز و کمالی، آفرین!
در تو جوید دل شکوه واژه را
حافظات بر حلقه‌ی بینش نگین
وصف حق ریزد ز نوک خامه‌ات
«والقلم» سوگند رب‌العالمین
از وطن گردد کلامت دل‌نشین
بس به لب آری سخن از این وطن
روز و شب در سجده‌ام با این «امید»
تا شوم از باغ عشقت خوشه‌چین

✦ دکتر محمد علی لطفی مقدم

هزار سال زمان طی شد از زمانه‌ی حافظ
هنوز عشق تراوش کند ز خامه‌ی حافظ
هزار سال دگر عاشقان خواجه بجویند
شمیم عشق و ارادت ز ماهنامه‌ی حافظ

✦ فضل‌الله دروش

نقدی بر نقد مندرج در حافظ شماره‌ی ۲۱ صفحه‌ی ۱۲۲.
صاحب‌نشر وزیر استاد امین
ای دلت عاری ز کین استاد امین
انتقاد منتقد کردی قبول
آن هم از بالانشین استاد امین
تنگ‌چشمی نیست در گفتار او
چون نباشد خویش‌بین استاد امین
نیست در او کینه و بخل و حسد
کینه و شخص‌حزین؟ استاد امین؟
سخت‌گیری و تعصب نیست این
چون که خون نوشد جنین استاد امین
بعد از این گفتار او را چاپ کن
طرد کن این کم‌ترین، استاد امین
تا ز سست اندیشگان راحت شود
کان شهد و انگبین استاد امین
او بود علمش فزون‌تر از همه

ج - بزرگداشت‌ها

۱- در آستانه‌ی هشتادمین سال تولد استاد دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی و چند شب مانده به جشن یلدا، آقای رضا فاضلی (مدیر موسسه‌ی علمی و فرهنگی آیت‌الله فاضل‌خوانساری) در یکی از شب‌های پایانی آذر ۱۳۸۴ جمعی از نخبگان فرهنگی و هنری کشور را در مجلسی دوستانه میزبان شد. خلاصه‌ی سخنرانی‌های این مجلس در روزنامه‌ی ایران مورخ ۳۰ آذر ۱۳۸۴ انعکاس یافت.
۲- به مناسبت یکصدمین سال تولد زنده‌یاد استاد دکتر غلام‌حسین صدیقی، روز پنج‌شنبه ۲۴ آذر ۱۳۸۴ مجلس یادبودی با سخنرانی آقایان دکتر ناصر تکمیل‌همایون، دکتر احسان نراقی، دکتر محمود روح‌الامینی و دادار برگزار شد.



بیژنی - حسینجانی - امین - باستانی پاریزی - فاضلی و...

ستون متوفیات حافظ

استاد مشفق کاشانی

درگذشت خواهر ارجمندتان را تسلیت می‌گوییم و برای آن فقیده‌ی سعیده‌ی آمرزش الهی و برای جناب‌عالی و دیگر بازماندگان محترم اجر جزیل و صبر جمیل آرزو داریم.

شورای شعر ماهنامه‌ی حافظ

جناب آقای دکتر نعمت‌الله تابنده و بانو

درگذشت فقیده‌ی سعیده‌ی سرکار خانم ملوک اعتضادی (سعیدی) را تسلیت می‌گوییم.

شورای شعر ماهنامه‌ی حافظ

جناب آقای دکتر محمدتقی متقی

درگذشت برادر ارجمندتان سعید فقیه، شادروان سیدنورالدین متقی (بهبهانی) را تسلیت عرض نموده برای آن مرحوم، غفران الهی و برای شما و همه‌ی بازماندگان محترم شکیبایی آرزو می‌کنیم.

پروفسور سیدحسین امین - سیدمحمدعلی بلادی - ناصر بهبهانی - سیدمهدی بهبهانی‌نیا - دکتر حسین بیگدلی پروفسور منوچهر جعفریان - دکتر محمدباقر چوبک سیدرسول حسینی طباطبایی - مهندس مجتبی خراسانی رحیم زهتاب‌فرد - محمداطهر سلیمانی - دکتر عباس عطاری - دکتر غلام‌علی غلامی - دکتر رمضان‌علی قاسمی - دکتر مرتضی قربانی‌راد - غلام‌حسین قرشی - دکتر سیدحسین نبوی - حسن نراقی.

جناب آقای مهداد رضوی

با نهایت تأسف درگذشت ناگهانی شادروان سرهنگ سیدابوالحسن رضوی از اعضای مؤسس و مؤثر «انجمن دوستداران ماهنامه‌ی حافظ» و عضو برجسته‌ی انجمن ادبی کمال را به خانواده‌ی محترم رضوی الغزوی تسلیت می‌گوییم.

انجمن دوستداران ماهنامه‌ی حافظ

سپاس و تشکر

هر چند غم از دست‌دادن همسری که به‌معنای واقعی متجاوز از پنجاه سال شریک همه‌ی دوران زندگی از تلخ و شیرین بوده، بسی دشوار و سخت است، اما محبت‌ها و بزرگواری‌های دوستان خوبم غم را می‌کاهد و به ادامه‌ی زندگی امیدوار می‌سازد. با این توضیح وظیفه‌ی دارم از کلیه‌ی سروران و دوستان باوفا بویژه انجمن‌های محترم ادبی تهران و مشهد و همکاران مطبوعاتی که در مراسم خاک‌سپاری و مجالس ترحیم همسر مرحوم حاجیه‌خانم عفت مظفری تربیتی ابراز لطف و محبت فرموده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری نمایم. ضمناً هزینه‌ی مراسم شب چهلم بر طبق صلاح‌دید بازماندگان و نزدیکان به مصرف امور خیریه رسید که امید است مورد قبول حق قرار گیرد.

با سپاس مجدد - محمدحسن حسامی محولاتی

۳- به مناسبت دهمین سالگرد درگذشت زنده‌یاد دکتر محمدجواد مشکور مجلس یادبودی در مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی در ۲۹ آذر ۱۳۸۴ با سخنرانی آقایان کاظم بجنوردی، دکتر اصغر دادبه، دکتر فتح‌الله مجتبیایی، دکتر محمد دبیر سیاقی و خانم دکتر ژاله آموزگار برگزار گردید.

۵- به مناسبت پنجاهمین سالگرد درگذشت زنده‌یاد استاد احمد بهمنیار در روز ۲۹ آذر ۸۴ به‌دعوت دکتر مهدی محقق، مجلس بزرگداشتی در «انجمن آثار و مفاخر فرهنگی» برگزار گردید. در این آیین آقایان دکتر مهدی محقق، دکتر حمید فرزام، دکتر محمود روح‌الامینی، دکتر سلیم نیساری و حجت‌الاسلام محمدجواد حجتی کرمانی سخنرانی کردند.

۴- ۷ آذر ۱۳۸۴ مجلس بزرگداشتی برای آقای علی‌رضا دزواره متخلص به «مانی» در انجمن سخنوران در کانون بازنشستگان کشوری، برگزار گردید. پروفسور سیدحسین امین که مقدمه‌ی هم بر دیوان اشعار آقای علی‌رضا دزواره «مانی» نوشته است، از آقای دزواره به‌عنوان شاعر و مجسمه‌ساز قدردانی نمود. ■

سانحه‌ی سقوط هواپیما

درگذشت یکصد و چند تن از خبرنگاران و کارمندان رسانه‌ها و نیز پرسنل ارتش در سانحه‌ی سقوط هواپیمای ۱۳۰ C در آذر ۱۳۸۴ را به خانواده‌های این قربانیان و جمیع ملت ایران تسلیت می‌گوییم.

ما به همین مناسبت در بخش داستان‌های کوتاه این شماره داستانی چاپ کرده‌ایم و در این بخش نیز شعری از یکی از افسران نیروی هوایی یعنی سرکار سرهنگ صالح افشار تویسرکانی (استاد دانشکده‌ی پرواز) را به نشانه‌ی تأثر عمیق خود از این سانحه‌ی خظیر در این ستون چاپ می‌کنیم.

برای آسمانی پرنندگان آبی دلم و عاشقانه یاران اهل قلم

پرواز شد بهانه‌ی رفتن به آسمان
حتا عبور از دل تاریک کهکشانشان
سیمرغ‌های عشق وطن کوچشان یکی‌ست
مشیت پری بجاست از آن خیل عاشقان
مثل عقاب یا نه - کبوتر - نه چون ملک
گسترده‌اند شهپرشان را به بیکران
تصویری از عروج کشیدند روی خاک
با استخوان سوخته‌ی دست‌هایشان
این‌جا یکی پرستو و آن یک ارسطواست
جایی که عشق و عقل بود ختم داستان
دیدم چه‌گونه خنده به خورشید می‌زدند
با چشم‌های خیره به آفاق لامکان
پرواز روحشان چه غریبانه و قشنگ
در خاطر زمانه‌ی ما گشت جاودان
آری برای رفتن از این خاک تا خدا
پرواز شد بهانه‌ی رفتن به آسمان